

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهیافت

سال هفدهم، شماره ۶۳، تابستان ۱۴۰۲
صفحه ۱۰۹ تا ۱۲۸

چگونگی بازنمایی حزب الله لبنان در دو رسانه المنار و پرس تی وی

سعید صدراعیان / گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
S.sadraeian@gmail.com

محمد صادق کوشکی / گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
M.s.koushki@ut.ac.ir

چکیده

حزب الله لبنان مهم‌ترین گروه شناخته‌شده مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی است و مورد حمایت ج.ا.ایران از آغاز انقلاب تاکنون بوده است. مقاله حاضر قصد دارد تا نحوه بازنمایی این حزب قدرتمند نظامی-سیاسی را در دو رسانه المنار (متعلق به حزب الله) و پرس تی وی (متعلق به مرکز صدا و سیما) ج.ا.ایران مورد مطالعه قرار دهد. سوال اصلی این تحقیق این است: این دو رسانه، حزب الله را چگونه بازنمایی می‌کنند؟ بازنمایی مذکور بازتاب کدام سیاست‌های رسانه‌ای بوده و تا چه اندازه در تثبیت جایگاه حزب مذکور به ویژه در جامعه لبنان نقش داشته است؟ فرضیه این پژوهش بر این موضوع قرار دارد که به منظور تبیین اهداف یک گروه و کمک به تثبیت موقعیتش، خط‌مشی‌های رسانه‌ای در نحوه بازنمایی گروه مذکور، در ایجاد اعتماد در مخاطبین نقش مهمی را بازی می‌کند. نتیجه پژوهش از بررسی بازنمایی انجام شده در هر دو رسانه حاکم از این امر است که المنار با توجه به رویکردهای نوین و تکثرگرایانه‌ای که در نگرش حزب الله وجود دارد، توانسته است مخاطبین زیادی را به خود جذب نموده و نقش مهمی را در تقویت جایگاه حزب الله بازی کند. این موضوع با توجه به سیاست‌های تک محوری پرس تی وی با تمرکز صرف بر مسئله مقاومت باعث شده است تا بازنمایی از حزب مذکور فقط در عرصه مقاومت در برابر رژیم اشغالگر صهیونیسم به عمل آید. این مقاله با روش کیفی از نوع توصیفی و تحلیلی ارائه شده و داده‌های آن از منابع کتابخانه‌ای و همچنین آرشیو تلویزیونی و سایت دو رسانه مذکور جمع‌آوری شده است.

کلیدواژه: حزب الله، لبنان، بازنمایی، رسانه، المنار، پرس تی وی.

تاریخ تایید: ۱۴۰۲/۱/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۶

مقدمه

دانیل مییر در مقاله خود در ارتباط با چیستی حزب الله لبنان، در یک مطالعه تاریخی که از نحوه شکل‌گیری و استقرار این حزب انجام داده است، بحث خود را به‌درستی با این سوال آغاز می‌کند که حزب مذکور چگونه توانسته است بر بخش زیادی از شیعیان لبنان اقتدار داشته باشد؟ این اقتدار و حیطة نفوذ بالای حزب الله، همچنین نویسنده را بر آن می‌دارد تا از درستی یا نادرستی فرضیه‌ای سوال بپرسد که ترویج دهنده دیدگاهی است که مطابق با آن حزب الله به مثابه دولتی در دولت است (Meier, 2013: 4). جامعه شیعه لبنان، اولین بار در پایان دهه ۶۰ میلادی به رهبری امام موسی صدر که «بنیاد مستضعفین» را بنا نهاده بود، دور هم جمع شدند (Meier, 2013: 4). ناپدید شدن امام صدر در ۱۹۷۸، پیروزی انقلاب ایران و استقرار مرکزیت شیعی در این کشور در ۱۹۷۹ و همچنین اشغال جنوب لبنان توسط نیروهای صهیونیستی در ۱۹۸۲ از جمله عواملی بودند که جنبش حزب الله را در قالب یک بازیگر قابل در عرصه سیاست داخلی لبنان به طور جدی بسیج نمودند. این جنبش که خیلی زود در مقابل تجاوز اسرائیل برای کمک به مردم مناطق شیعه‌نشین لبنان قد علم کرد، هویت یک گروه سیاسی-نظامی را برای خود رقم زد. در عمل، جنبش کوچکی که در آغاز به عنوان یک گروه از مبارزان مقاومت برای مقابله تشکیل شده بود، در پایان به یک جنبش مقاومت عمده و قوی تبدیل شد که منجر به عقب‌نشینی اسرائیل از شهرهای بزرگ در جنوب لبنان شد (جونز کلایو، ۱۳۸۵). همین مقاومت و موفقیت در مقابل نیروهای صهیونیستی بود که محبوبیت و مشروعیت چشم‌گیری را برای این جریان خودجوش اما به خوبی سازمان‌یافته در جامعه لبنان به ارمغان آورد (Meier, 2013: 5). همین امر نیز باعث شد تا پس از توافق طائف و اتمام مناقشات داخلی بین گروه‌های قومی و مذهبی لبنان در ۱۹۸۹ و در نتیجه آن ملغی شدن سایر گروه‌های شبه نظامی درگیر، حزب الله که موافقت پارلمان لبنان را با خود داشت، همچنان وجود خارجی خود را حفظ نماید. اهمیت تثبیت موقعیت و همراه کردن مردم لبنان در ضرورت مقاومت، باعث شد تا حزب الله با روی آوردن به ابزارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای از جمله وب‌سایت، تلویزیون، رادیو، شبکه ماهواره‌ای اقدام به تاثیرگذاری بیشتری بر افکار عمومی کند.

شبکه المنار وابسته به این حزب بیشتر از ۳۰ سال است که نقش مهمی را در خبررسانی، تبیین اهداف حزب الله، موضع‌گیریهای سیاسی و دنبال کردن اهداف این حزب به طور فعال

بر عهده گرفته است. سیاست‌های هوشمندانه این حزب در مدیریت المنار منجر به تثبیت جایگاه و پررنگ‌تر شدن نقش حزب‌الله و مقاومت در جامعه لبنان شده است. واقعیتی که به خصوص در دوران‌های شدت گرفتن مقاومت از آمار دنبال‌کنندگان المنار قابل ارزیابی است. در کنار این رسانه، پرس‌تی‌وی متعلق به جمهوری اسلامی، شریک و متحد حزب‌الله قرار دارد که در هدف مقاومت علیه نیروهای اشغالگر با حزب‌الله مشترک است. سوال مهم در این مقاله چگونگی بازنمایی رسانه‌ای حزب‌الله در این دو رسانه است. برای پاسخ به این سوال علاوه بر بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای، برنامه‌ها، گزارش و اخبار هر دو شبکه و آرشیو آنها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نتیجه بدست آمده بر پایه یک مطالعه تطبیقی و شناسایی تفاوت‌ها و شباهت‌ها، بیانگر بازنمایی محدود و تک بعدی حزب‌الله به عنوان حزب مقاومت در پرس‌تی‌وی است. در حالیکه، المنار در راستای هماهنگی با سیاست‌های آشتی و صلح ملی مرتبط با مسائل داخلی لبنان، از حزب‌الله علاوه بر حزب مقاومت یک حزب شیعی-لبنانی، تکثرگرا و سازگار با سایر احزاب و مذاهب لبنان را بازنمایی می‌کند. این تفاوت، بیانگر سیاست‌گذاری‌های است که بر هر دو رسانه اعمال شده است. به طور کلی، رسانه‌ها در لبنان با ساختارهای دمکراتیک‌تر و آزادانه‌تری نسبت به رسانه‌های ایرانی فعالیت می‌کنند. همین موضوع در اعتماد و جذب مخاطبان و تاثیرپذیری از بازنمایی‌های رسانه‌ای انجام شده بسیار موثر است، موضوعی که به خوبی در نقش المنار در تثبیت موقعیت حزب‌الله در لبنان قابل شناسایی است.

پیشینه تحقیق

حزب‌الله به عنوان یک حزب شناخته شده که در نیم‌قرن اخیر نقش مهمی به خصوص در مقاومت علیه رژیم صهیونیستی از خود نشان داده است، همواره موضوع پژوهش‌های بی‌شماری قرار داشته و دارد. از جمله پیرامون رسانه‌های وابسته به حزب‌الله و نقشی که در بازنمایی مقاومت در زمان بحران بازی کرده‌اند، مطالعاتی به زبان‌های مختلف انجام شده است. برای ذکر چند نمونه در اینجا می‌توان به طور مثال به کتاب «عین الانتصار، وقائع و أسرار مجهولة فی إدارة الحرب الإعلامية خلال عدوان تموز ۲۰۰۶، المنار نموذجاً» نوشته عبدالله شمس‌الدین (۲۰۱۶) اشاره کرد. در این اثر با بررسی نقش و جایگاه شبکه المنار در دوران جنگ ۳۳ روزه به واکنش‌های حزب‌الله در طول این جنگ در برابر حملات رژیم صهیونیستی و تخریب برخی زیرساخت‌های این شبکه پرداخته شده است. این کتاب به روایات و ویژگی‌های هویتی افراد مرتبط با حزب‌الله و شبکه المنار می‌پردازد. همچنین

در گزارش Hezbollah's Image Management Strategy که توسط مرکز دیپلماسی عمومی دانشگاه کالیفرنیا جنوبی به عنوان نخستین شماره از مجموعه مقالات «چشم‌اندازهای مرکز دیپلماسی عمومی» در سال ۲۰۱۲ منتشر شده است، به بررسی استراتژی مدیریت تصویرسازی حزب‌الله در طی ۵ سال منتهی به این گزارش در لبنان و در میان مردم عرب پرداخته و مهمترین ویژگی حزب‌الله در این زمینه را ادغام اعتبار و سازگاری (Merger of credibility and adaptability) به هدف ماندگاری خود معرفی می‌کند. در این گزارش به کلیت تصویرسازی حزب‌الله از خود پرداخته شده است. در پایان نامه «تکنیک‌های تبلیغات سیاسی شبکه المنار در جنگ ۳۳ روزه لبنان؛ تحلیل محتوای اخبار و مطالب شبکه المنار در پوشش اخبار جنگ ۳۳ روزه لبنان در ۱۳۸۵، مریم نصار (۱۳۹۱) نتیجه گرفته است که المنار به طور فزاینده‌ای از روش تحریک احساسات برای ترغیب مخاطبان خود و همچنین تاریخ نگاری و تاکتیک برجسب زدن در پوشش جنگ استفاده کرده است. علاوه بر این، از فنون بی‌اعتبار کردن دشمن و ایجاد ترس بیشتر از سایر فنون در رابطه با ضد تبلیغ سود جسته است.

از سوی دیگر در مورد منابع مرتبط با پرس‌تی‌وی نیز می‌توان به مقاله حسن بشیر و علی وحیدی فردوسی اشاره کرد که بازنمایی تحولات جهان اسلام در گفتمان پرس‌تی‌وی را مورد مطالعه قرار داده‌اند و توضیح می‌دهند که اصولاً این شبکه رویکردی مشابه را برای پوشش خبری همه تحولات رخ داده در پیش نگرفته است و در حالی که گروهی را بیشتر پوشش می‌دهد، در ارتباط برخی دیگر به شکل بی‌تفاوتی عمل می‌کند. همچنین علی گرانمایه پور و ریحانه‌سادات ذاکری نیز نحوه بازنمایی خشونت جنایات داعش را در پرس‌تی‌وی و شبکه خبر با هم مقایسه کرده‌اند. در این میان، صرفاً در مقاله نقش و عملکرد دیپلماتیک شبکه‌های خبری است که نویسندگان آن تلاش کرده‌اند از نحوه پوشش خبری و سیاست‌های پرس‌تی‌وی ارزیابی کلی ارائه دهند.

نوآوری پژوهش حاضر در بررسی است که نه تنها پیرامون بازنمایی حزب‌الله در دو رسانه المنار و پرس‌تی‌وی به عمل می‌آورد، بلکه سیاستها و خط‌مشی‌های حاکم بر این بازنمایی را نیز مورد مطالعه قرار می‌دهد. همچنین انتخاب دو رسانه نامبرده و مقایسه آنها با یکدیگر، در درک میزان اثربخشی خط‌مشی‌ها و سیاست‌های رسانه‌ای هر یک از آنها که به‌رغم شباهت با یکدیگر متفاوت هستند، بسیار کمک‌کننده می‌باشند.

چارچوب نظری

در دنیای امروز، میزان بالای قدرت تاثیرگذاری رسانه‌ها بر افکار عمومی پوشیده نیست. شاید همین مسئله باعث شود که گاهی به اشتباه این شبه وجود می‌آید که آنها صاحب قدرتی بلامنزاع هستند که بر مخاطبان خود بی‌چون و چرا مسلط می‌باشند. صرف نظر از درستی بخشی از این واقعیت، می‌بایست به این نکته توجه داشت که تاثیرگذاری مذکور منوط به یک برنامه‌ریزی و هدفمندی دقیق در مدیریت یک رسانه است. رعایت اصولی مثل جریان آزاد اخبار، پوشش اخبار تا حد ممکن بدون جانبداری صریح و موضع‌گیری بی‌پروا، عدم القا حس تحمیل خبر از جمله مواردی است که می‌تواند این روند اعتمادسازی و در نتیجه تاثیرگذاری را تسریع بخشیده و به خبر مورد نظر جنبه عمومیت ببخشد.

در قلب یک ساختار دموکراتیک، اطلاعات سیاسی قرار دارد، چرا که این اطلاعات سیاسی هستند که حق مشارکت در امور عمومی را مشروعیت می‌بخشند (Monière, 1999). در نظام‌های دموکراتیک فرض بر این است که شهروندان در هدایت و ارتقا تصمیمات عمومی، به نقد کشیدن و کنترل بازیگران سیاسی و اجتماعی دارای قدرت جمعی هستند. برای حصول به این منظور می‌بایست الزاماً از واقعیات، رویدادها و اخبار به درستی مطلع باشند. شرط مطلع بودن، دسترسی به اطلاعات کامل از طریق منابع قابل اعتماد است. در این نظام‌ها، تلویزیون همچنان، یکی از اصلی‌ترین رسانه‌های انتشار اطلاعات به شمار می‌آیند، این واقعیت بیانگر قابل اعتماد بودن این ابزار برای بخش‌های زیادی از مخاطبان می‌باشد (Ferejohn et Kuklinskim, 1990). یک شبکه تلویزیونی موفق قادر است فضای عمومی همگانی را ایجاد نماید که به فضاهای خانگی راه پیدا کرده و قادر به شکل دادن به یک آگورا در آن فضا است. هر چند در این آگورای خلق شده فرضی، اجازه شکل‌گیری دیالوگ بین شهروندان به طور مستقیم داده نمی‌شود، اما این رسانه به خوبی بحث‌ها، انتخاب‌ها، عملکردهای سیاسی را به نمایش در می‌آورد و به شهروندان اجازه دنبال کردن وقایع و اتفاقات را به طور روزانه و لحظه‌ای می‌دهد. در این نقش، تلویزیون مثل یک میانجی بین شهروندان و جهان سیاسی پیرامونشان عمل می‌کند و چیزی را برای آنان به ارمغان می‌آورد که به طور مستقیم نمی‌توانند ببینند و یا زندگی کنند (25: 1983 Nimmo et Combs). دو منیک ولنتون بر این باور است که تلویزیون یک مکان «با هم بودن» است که شهروند در آن می‌تواند از چیزی که در مورد گروهی که به آن احساس

تعلق دارد و با اجتماعی که به آن متصل است، آگاه شود. به همین دلیل است که تلویزیون در ساخت یک هویت ملی چنانچه موفق به اعتمادسازی لازم بشود، بسیار موثر خواهد بود (Wolton, 1983: 126). رسانه مذکور در اینجا صرفاً انتقال دهنده رخدادها نیست، بلکه در ساختار بندی درک مخاطبانش از واقعیت های سیاسی با برجسته کردن آنچه مهم است و قابل توجه، نقش کلیدی بازی می کند. به عبارت بهتر، رسانه تلویزیون از قابلیت در ارتباط قراردادن شهروندان با واقعیت سیاسی برخوردار است. همچنین قادر است در انتقال ارزش ها و شناخت هایی که در نهایت افکار عمومی را پیکربندی می کنند، موثر واقع شود (Wolton, 1983: 126).

آنچه از قابلیت رسانه مذکور گفته شد، حاکی از نوعی قدرت رسانه ای است که اصولاً ذیل مباحث مربوط به تاثیر رسانه ها بر افکار عمومی و یا جهت دهی به آنها شناخته می شود. اثربخشی رسانه ها به طور مستقیم با مقوله بازنمایی رسانه ای مرتبط است. وقتی از بازنمایی رسانه ای صحبت می شود به زعم استورات هال که از مهم ترین نظریه پردازان در خصوص این مقوله است، منظور یک فرایند ساده و سراسر نیست که عین همان را که رخ داده است، منعکس کند، بلکه این مقوله، نوعی عمل ساخت معنا با استفاده از نشانه ها و زبان می باشد (هال، ۱۳۸۲: ۶۳). به عبارت دیگر، معنا به واسطه نظام بازنمایی ساخته و پرداخته می شود، فارغ از اینکه جهان، مستقل از بازنمایی هایی که از آن صورت می گیرد، وجود داشته باشد یا خیر. بنابراین می توان گفت که بازنمایی شیوه ای است که از راه آن، ما واقعیت را واجد معنا می سازیم، همچنین معنایی را که درباره خودمان، دیگران و جهان پیرامون خود ایجاد می کنیم، از راه بازنمایی با یکدیگر سهیم می شویم و یا مورد مجادله قرار می دهیم (مهدی زاده، ۱۳۸۹: ۱۶).

المنار و پرس تی وی هر دو شبکه های تلویزیونی هستند که در ظاهر سیاست های واحد و همسویی در شکل گیری آنها بوده است. اولی وابسته به خود حزب الله و دومی وابسته به جمهوری اسلامی ایران، کشور دوست و متحد حزب مذکور می باشد. حزب الله از آن احزابی سیاسی است که در جریان غالب رسانه ای غرب یک گروه تروریستی و بالقوه خطرناک معرفی می شود. به همین دلیل است که استفاده از ابزار رسانه برای ارائه یک بازنمایی متفاوت از خود، برای این حزب از جایگاه خاصی برخوردار می باشد و همواره در طول حیاتش از اهمیت این ابزار غفلت نورزیده است. در پژوهش حاضر، تلاش بر آن است تا نحوه بازنمایی اهداف، دیدگاه ها، فعالیت ها و موضع گیری های حزب الله در هر یک

از این دو رسانه از طریق دنبال کردن اخبار و برنامه‌های هر دو رسانه بررسی شود. فهم گفتمان غالب مسلط بر رسانه‌های مذکور از یک طرف ویژگی‌های مشترک و متفاوت بازنمایی مورد نظر را آشکار می‌کنند و از سوی دیگر سیاست‌گذاری‌هایی را که به طور کلی، بر این بازنمایی سایه می‌افکند، مورد شناسایی قرار می‌دهند. این روشن‌سازی همچنین می‌تواند نشان دهد که در کدام یک از بازنمایی شبکه‌های مذکور، موفقیت بیشتری در جذب مخاطب و احساس اعتماد به بازنمایی صورت گرفته کسب شده است.

بازنمایی حزب‌الله در المنار و پرس‌تی‌وی

پرس‌تی‌وی اولین شبکه ماهواره‌ای برون مرزی ایران است که در تیرماه ۲۰۰۷ در دولت محمود احمدی‌نژاد راه‌اندازی شد. این شبکه ماهواره‌ای به دو زبان انگلیسی و فرانسوی پخش می‌شود و از جمله یکی از مقرهای اصلی آن بیروت می‌باشد. این شبکه در چارچوب برنامه‌ریزی‌های خبری و تبلیغاتی صدا و سیما کشور ج.ا.ایران تاسیس شده است و سیاست‌های خود را بر مسئله بازتاب اخبار به شیوه‌ای نوین و شکستن انحصار پوشش خبری تحت کنترل قدرت‌های غربی قرار داده است. این در حالی است که المنار از یک تاریخچه بسیار پیچیده‌تر که دقیقاً به تاریخ حزب‌الله گره می‌خورد برخوردار است. المنار، نام شبکه تلویزیونی تاسیس شده توسط خود حزب‌الله لبنان است که به زبان‌های مختلف به صورت ۲۴ ساعته اخبار، گزارش و پیام‌های حزب‌الله لبنان را در منطقه و جهان عرب منتشر می‌کند. این شبکه کار خود را در ۴ ژوئن ۱۹۹۱ از یک آپارتمان کوچک در حومه جنوبی بیروت آغاز کرد که شامل یک پوشش خبری حداکثر شش ساعته در روز از طریق یک فرستنده کوچک می‌شد. این کانال توسط گروهی از جوانان مشتاق حزب‌الله و با هدف انتشار پیام و دستاوردهای مقاومت در بین مردم لبنان متولد شد (شرم دوحه، ۲۰۰۴). شبکه مذکور، بین سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۶، توانایی‌های فنی و قدرت انتقال خود را توسعه داد. در سپتامبر ۱۹۹۶، دولت لبنان به المنار مجوز موقت به عنوان «ایستگاه مقاومت» اعطا کرد. (کریم نایف، ۲۰۰۴) در سال ۱۹۹۸، موفق به دریافت مجوز دائم از دولت لبنان شد. در سال ۲۰۰۰ و همزمان با خروج نیروهای رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان، به صورت یک شبکه ماهواره‌ای درآمد و تنها یکسال پس از این توانست در تمام طول هفته برنامه‌های شبانه‌روزی‌اش را برای مخاطبانش در سراسر دنیا پخش کند.

این تاریخچه اجمالی حاکی از این است که المنار به صورت یک شبکه درون‌گروهی و با تمرکز ویژه بر مسئله حزب‌الله آغاز به کار کرده است، اما با گذشت زمان خود را

توسعه داده و در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به یک تلویزیون تمار عیار و خبرگزاری حرفه‌ای بدل شده است. پرس‌تی‌وی اما از همان آغاز در کادر یک شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای برون مرزی راه‌اندازی شده است. اهمیت مسئله مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی، دفاع از مردم فلسطین و رساندن صدای آنها به جهانیان به عنوان قربانیان لابی رژیم صهیونیستی و حمایت تمام‌قد از نیروهایی همچون حزب‌الله که حیاتشان با مبارزه با این رژیم گره خورده است، از جمله اهداف جمهوری اسلامی از زمان پیروزی در انقلاب اسلامی است. حاکمیت شیعی، همواره خود را در این زمینه موظف به دفاع و حمایت از فلسطین‌ها می‌داند. در کنار این هدف، اکنون می‌توان استراتژی جمهوری اسلامی و در نتیجه خبرگزاری‌های وابسته به آن که در واقع ابزارهای اصلی تبلیغات آن به شمار می‌آیند را بهتر درک کرد. حیات مبارزاتی حزب‌الله لبنان، با پیروزی انقلاب اسلامی همزمان شد و همین امر در جو حاکم بر دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی، به مثابه موتور محرکه مهمی به کار می‌آمد. جمهوری تازه تاسیس که در همان آغاز به کار خود، همبستگی را با حزب‌الله اعلام کرد، حزب مذکور را در شکست نیروهای اشغالگر یاری رساند. این موضع حمایتی که در تمام ۴۰ سال اخیر هرگز مورد تخطی جمهوری اسلامی نبوده است، بدون قطع در شبکه ماهواره‌ای پرس تی وی اشاعه داده می‌شود. اخبار مربوط به فلسطین و در نتیجه تمام جریانات مقاومت در مقابل نیروهای اشغالگر اسرائیلی از جمله رئوسی است که به طور مرتب در محور اخبار و اطلاعات این شبکه بازتاب داده می‌شود. بدین ترتیب بیانات، اقدامات، برنامه‌ها و چالش‌های حزب‌الله در ارتباط با حملات، واکنش‌ها و اقدامات اسرائیل پوشش جامعی داده می‌شوند. با این حال، میان آنچه المنار به عنوان یک رسانه نیرومند در نشان دادن موقعیت حزب‌الله به کار می‌برد و آنچه پرس‌تی‌وی بازنمایی می‌کند، با وجود وجوه تشابه، فاصله زیادی به نظر می‌رسد. برای دستیابی به این بازنمایی ابتدا وجوه اشتراک و سپس وجوه افتراق در بازنمایی حزب‌الله در هر دو رسانه مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

وجوه اشتراک در بازنمایی ارائه شده از حزب‌الله در المنار و پرس‌تی‌وی

حمایت از حزب‌الله در قالب گفت‌وگو کانتراهژمونیک

کانال المنار در ۴ ژوئن ۱۹۹۱ با انتشار پیامی که حاوی هدف راه‌اندازی این کانال بود، آغاز به کار کرد. در این پیام آمده است: « برای محبت و بردباری [...]، ارزش‌ها، اخلاقیات و اهداف، زندگی مشترک در صلح و حمایت از مظلومان و دفاع از حقوق آنان،

المنار ایجاد شد...» همچنین در این پیام که خطاب به مردم لبنان و جهان عرب بود، شبکه المنار را به عنوان ابزاری معرفی می‌کرد که قصد مقابله با تصاویری را دارد که به «اشتباه» از این حزب در رسانه های غربی و عربی منتشر می‌شد و حزب مذکور را به شکل یک جنبش مذهبی نابردبار و بنیادگرا بازنمایی می‌نمود (Fontan, 2005: 59). بدین ترتیب المنار که به منظور متحد کردن لبنانی‌ها، حول برنامه حزب الله ایجاد شده است، خود را به عنوان یک رسانه سمعی و بصری قابل احترام معرفی می‌کند که همگان می‌توانند با اطمینان آن را تماشا کنند. این هدف گذاری را در قالبی دیگر ولی مشترک می‌توان در اهداف برشمرده شده برای پرس تی وی مشاهده کرد؛ شکستن انحصار قوی رسانه های غربی، به وجود آمدن پلی میان فرهنگ های مختلف، تاکید بر نمایش تفاوت ها و مشترکات سیاسی و فرهنگی با توجه به شرایط انسانی اهدافی است که پرس تی وی برای خود اعلام کرده است (Worldservice, 22/02/1397). در ماده ۲۰ «قانون خط مشی کلی و اصول برنامه های سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی» تاکید شده است که این نهاد می‌بایست برای کسب اخبار و اطلاعات صحیح جهانی و رهایی از انحصار خبری خبرگزاری های صهیونیستی و امپریالیستی جهانی تلاش کند. این اصل، هدف رهایی از هژمونی غول های خبرگزاری غربی را مورد توجه قرار داده است.

اهداف برشمرده توسط هر دو رسانه، یک گفتمان کانترهژمونیک به حساب می‌آید. کانترهژمونی که از دل نظریات آنتونیو گرامشی نظریه پرداز ایتالیایی استخراج می‌شود، حاکی از ساخت یک فرم جدید از هژمونی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است که برای دگرگون و یا حتی واژگون کردن هژمونی غالب و موجود ایجاد می‌شود (Hoare et Sperber, 2013). چنانچه یک کانترهژمونی گسترش یابد قادر است خود در نهایت جایگزین هژمونی شود که از نظر تاریخی بر او تقدم دارد. در شکل گیری یک کانترهژمونی لازم است که شمار زیادی از افراد از طریق استدلال، به منظور به هم زدن نظم هژمونی غالب و ریختن طرحی نو متقاعد شوند. در کانترهژمونی نوعی گرایش به ایجاد بینش جدید، فرهنگ جدید و نهادهای الترناتیوی وجود دارد که بتوانند منتقد هژمونی غالب و مسلط بوده و راه جدیدی را برای ظهور یک طبقه جدید از رهبران باز نمایند (Hoare et Sperber, 2013). چنین مطالبه ای به صورت گفتمان رسانه ای هر دو شبکه مذکور قابل شناسایی است. هژمونی غالب رسانه های قدرتمند غربی، بازنمایی منفی از حزب الله به عنوان یک گروه تروریستی خرابکار، تهدید کننده صلح منطقه ای و جهانی،

رادیکال و بنیادگرا ارائه می‌دهند که به طور ممتد تکرار می‌شود. درست همین خوانش از حزب الله بود که منجر به توقف پخش ماهواره‌ای المنار در سال ۲۰۰۴ از کلیه ماهواره‌هایی شد که بخش‌هایی همچون اروپا، آمریکا و آسیای شرق دور را پوشش خبری می‌دادند. پرس‌تی‌وی نیز با چنین رویکرد کاترهرژمونیکی اخبار حزب الله را که مهم‌ترین گروه مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی است پوشش می‌دهد. در کاترهرژمونی پرس‌تی‌وی، حزب الله سمبل مقاومت در مقابل ظلم و تجاوز اسرائیل، حزبی صلح‌جو اما قدرتمند و جدی و مدافع حقوق مظلومان فلسطینی معرفی می‌شود. در عمل، گفتمان غالب هر دو رسانه رسالت دارند تا چهره متفاوتی از حزب الله بازنمایی نمایند تا با آنچه جریان مسلط به دنبال درونی کردن آن در اذهان قاطبه مردم جهان است، ایستادگی نماید.

حزب الله: حزب مقاومت

حزب الله در نامه سرگشاده‌ای که در ۱۹۸۲ منتشر کرد، دو هدف مهم را برای خود صراحتاً تعریف نمود: مقاومت نظامی در مقابل نیروهای رژیم صهیونیستی و دوم ایجاد یک دولت اسلامی. مبارزه علیه رژیم صهیونیستی تا به امروز از اولویت‌های این حزب به شمار می‌رود (Meier, 2013: 4)، چرا که حزب الله معتقد است که توسل به جنگ مسلحانه تنها راه مقابله با اسرائیل است و عقب‌نشینی اسرائیل نه به دلیل مذاکره یا اجرای معاهدات، بلکه به دلیل حملات مجاهدان صورت می‌پذیرد. بنابراین، پر واضح است که به مثابه منشور حزب، این اصل به طور برجسته‌ای مورد تایید پایگاه‌های خبری خود حزب و طرفدارانش می‌باشد. در سپتامبر ۱۹۹۶، وقتی دولت لبنان به المنار مجوز موقت به عنوان «ایستگاه مقاومت» اعطا کرد به نقش مهم المنار و لزوم وجود چنین کانالی برای به تصویر کشیدن قهرمانی‌ها و دستاوردهای مقاومت تا زمان آزادسازی مناطق اشغالی در جنوب لبنان به صراحت این‌طور اذعان نمود: «باید تلویزیونی وجود داشته باشد که علاوه بر تمرکز بر فعالیت مقاومت و تثبیت نقش آن در شکل‌گیری ملتی مقاوم که عدالت و مساوات بر آن حاکم باشد، به نمایش تصاویر از رنج مردم ما در سرزمین‌های اشغالی، قربانیان استکبار اسرائیل و کسانی که در مناطق مرزی اشغالگر زندگی می‌کنند و از تجاوزات روزانه آن رنج می‌برند متعهد باشد» (کریم نایف، ۲۰۰۴). به دنبال بازنمایی چنین هدفی بود که المنار اقدام به فیلم‌برداری از صحنه عملیات‌ها و پخش مستقیم آنها نمود و از این طریق دوربین مقاومت یا به تعبیر دقیقتر «رسانه» به عاملی استراتژیک بدل شد که اهمیتش از سلاح کمتر نبود. این به تصویر کشیدن، تاثیر بسیاری بر روحیه مردم لبنان گذاشته و موجبات ترس و

نگرانی صهیونیست‌ها را فراهم کرد که البته واکنش اعتراضی برخی سران عرب را نیز دربرداشت که قدرت گرفتن حزب‌الله را مساوی با تضعیف خودشان می‌دانستند (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۹۴: ۳۳۴). به طور مثال می‌توان از پوشش خبری از عملیات مقاومت در ۱۹۸۶ که در آن مواضع دشمن در «سجد» و «بئر کلاب» به آتش کشیده شد، نام برد. همچنین از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۰ میلادی، که عملیات نظامی پیشرفته‌ای علیه مواضع صهیونیست‌ها صورت گرفت، خبرنگاران المنار با حضور در همه جبهه‌های مقاومت در نزدیکی مرزهای لبنان و فلسطین، این عملیات را بدون توقف پوشش می‌دادند، هرچند در حین انجام این مأموریت رسانه‌ای، به طور مستمر از سوی نظامیان اسرائیلی مورد هدف قرار می‌گرفتند. این استراتژی در بازنمایی مقاومت که باعث شد تا پس از سال ۲۰۰۰ میلادی، هدف قرار دادن شبکه المنار، از طریق مؤسسات رسانه‌ای دشمن صهیونیستی، روند متفاوتی به خود گرفته و این مؤسسات از پخش برنامه‌های المنار در فرانسه و آمریکا جلوگیری کنند (محمدپور، ۱۳۹۱: ۷۷). همچنین در جنگ سی و سه روزه که در سال ۲۰۰۶ میلادی به وقوع پیوست و با شکست صهیونیست‌ها از مقاومت لبنان همراه بود، شبکه المنار و تمامی تأسیسات آن از سوی صهیونیست‌ها مورد هدف قرار داده شد و همه ساختمان‌های المنار مورد هدف حملات مستقیم موشکی اسرائیل قرار گرفت. مفهوم مقاومت رسانه‌ای در سایه جنگ رسانه‌ای حزب‌الله طی سال‌های اخیر آنقدر آشکار بوده است که در ۳ مه ۲۰۰۳ «کالین پاول» وزیر خارجه وقت آمریکا در دیدار رسمی خود از سوریه از حضور خبرنگار المنار در کنفرانس خبری ممانعت به عمل آورد. در یک نتیجه کلی، باید گفت که المنار در ارائه تصویر حزب مقاومت از حزب‌الله و تثبیت چنین جایگاهی نقش بسیار کلیدی در جامعه لبنان بازی کرده است.

به طبع این شیوه از پخش عملیات‌های نظامی، در پرس‌تی‌وی که کمتر از دو دهه بعد از المنار متولد شده است، به این صورت مرسوم نیست. به تصویر کشیدن عملیات‌ها اغلب در مستندها و یا گزارش‌های خبری جداگانه منعکس می‌شوند و نه به صورت یک پخش زنده و مستمر. اما در یک عمل هماهنگ و باز هم در امتداد گفتمان کانترهژمونیک توضیح داده شده، پرس‌تی‌وی، کلیه عملیات‌های نظامی حزب‌الله را با هدف برجسته‌سازی مقاومت به تصویر می‌کشد. بسیاری از تیتراها و محتواهای تولید شده در پرس‌تی‌وی بر محوریت مظلومیت مردم فلسطین و اهمیت مقاومت در مقابل اشغالگری اسرائیل طراحی شده است. بنابراین بیشتر از اینکه حزب‌الله محوریت اصلی خبرها باشد، مقاومت نقطه مرکزی اخبار و

مستندات است. با این وجود، از آنجا که مقاومت اصولاً با حزب الله در هم آمیخته است، بنابراین در کل، حزب الله با همین الگوی تبیین شده در المنار در پرس تی وی هم بازنمایی می شود.

برجسته نمودن ایدئولوژی شیعی حزب الله با تاکید بر اتحاد مسلمین

هدف گذاری برای نظام اسلامی بخشی از تعهد حزب به تفکر اسلامی و ایدئولوژی شیعی است که به طور قطع در المنار وسیعاً تبلیغ می شود. با این وجود، استریندبرگ و وارن بر این باورند که این هدفی نیست که این حزب به دنبال اجرای آن با زور باشد. در منطق حزب الله ایجاد یک دولت اسلامی، تابع پذیرش یک گروه یا شاخه و اجبار گروه های دیگر نیست. این دیدگاه حزب الله، حاوی پیام روشنی است که بر مبنای آن ایجاد یک حکومت اسلامی مبتنی بر انتخاب عمومی آزاد امکان پذیر است. بر این اساس، محققان نامبرده، بین حزب الله و سایر احزاب و گروه های اسلام گرا تفاوت قائل می شوند. آنها معتقدند که حزب الله ایده پلورالیسم سیاسی و اختلاف عقاید مورد پذیرش قرار داده است. همین موضوع دلیل محکمی بوده است تا این حزب از تمام قیام ها در منطقه به جز شورشی که دولت سوریه را هدف گرفته بود، حمایت کند (استریندبرگ و وارن ۲۰۱۱). این نگرش در پوشش جامع از اعتراضات بهار عربی در خیابان های تونس، مصر، یمن، بحرین و لیبی از طرف المنار مشخص بوده است، بدون اینکه خبر سرکوب معترضان بحرینی را که در همان زمان و در اتنای هیاهوی بهار عربی و به دلایل سیاسی مهجور مانده بود، کم اهمیت جلوه داده باشد. به عبارت بهتر، حزب الله به عنوان یک حزب شیعی، تلاش می کند در راستای وحدت دنیای مسلمین، تصویر یک حزب صلح جو و بی طرف در مسائل داخلی این کشورها را از خود بازنمایی کند که هدفش تحکم هر چه بیشتر مسلمین است. بنابراین در پوشش خبری از رخدادها و وقایع مربوط به جهان اسلام، ضمن دفاع از مواضع شیعی خود، جانب بی طرفی را حفظ کرده و پوشش جامعی از وقایع ارائه می دهد و به دنبال این است که از این طریق از خود تصویر مثبتی ارائه دهد.

پرس تی وی در حمایت از حزب الله برای تطهیر این گروه از تمام اتهاماتی که به خصوص از جانب کشورهای غربی و قدرت های رسانه ای در زمینه ایدئولوژیک بودن و بنیادگرا بودن صورت می گیرد، اقدام می نماید. در این مورد پرس تی وی مثل بلندگوی حزب الله، بیانیه ها و سخنرانی ها آن را برای دفاع از خود عیناً منعکس می کند؛ پیام ها و بیانیه های سران و رهبران حزب الله از جمله شخص حسن نصرالله را می توان به صورت یک

انعکاس خبری ممتد در اخبار پرس تی وی دنبال کرد. بنابراین پرس تی وی که خود با تبعیت از خط‌مشی‌های کلی نظام ج.ا.ایران در زمینه ایدلوژی شیعه و ضرورت اتحاد مسلمین تاکید دارد، به همین شیوه نیز ایدلوژی حزب‌الله را منعکس می‌کند. تاکید هر دو شبکه بر ارزش‌های برگرفته از شریعت اسلام کاملاً برجسته است. حجاب در هر دو شبکه برای مجریان زن اجباری است. در پرس تی وس این مسئله با وجود قانون اجباری حجاب در ایران امری بدیهی است. اما المنار از همان آغاز به کارش از شی‌شدگی زنان در شبکه‌هاب غربی به عنوان یک آسیب یاد کرده و بدین ترتیب همه مجریان زن این شبکه با پوشش کامل جلو دوربین ظاهر می‌شوند (Fontan, 2005: 59).

وجوه افتراق در بازنمایی حزب‌الله

حزب‌الله: تکثرگرا و ناسیونالیست

برای درک هر چه بیشتر این عنوان ناگزیر می‌بایست توجه خود را کمی به تاریخ سیاسی کشور لبنان معطوف کرد. لبنان کم‌وسعت‌ترین و کم‌جمعیت‌ترین کشور غرب آسیا است. با این وجود، از تنوع اقلیت‌های قومی و مذهبی گسترده‌ای برخوردار است که از زمان استقلال لبنان در ۱۹۴۳ به طور مدام با هم در تنش بوده‌اند؛ تنشی که البته نه به دلایل مذهبی، بلکه ناشی از اختلافشان در نحوه اداره کشور و میزان سهمی بود که هر یک در ساختار قدرت برای خود طلب می‌نمودند. سرانجام با بالاگرفتن مناقشات، یک سلسله از جنگ‌های داخلی بین این گروهها در لبنان شروع شد که از ۱۹۷۵ تا اکتبر ۱۹۸۹ به طول انجامید. این جنگ‌های طولانی با امضای تفاهم‌نامه‌ای در طائف عربستان و به همین نام به پایان رسیدند (Lamloum, 2008: 24).

المنار، رویکرد چند فرقه‌ای و چندفرهنگی را در برنامه‌ها و پوشش خبری خود همواره منعکس کرده است و با دعوت از سخنرانان از تمام قشرها و گروه‌های قومی و مذهبی لبنان در برنامه‌های خود، سعی می‌کند خود را به عنوان یک کانال تلویزیونی معرفی کند که همکاری بین فرقه‌ای را تقویت می‌کند. در نتیجه، این تلویزیون تمایل حزب‌الله را برای گسترش حمایت خود و تضمین مشروعیت داخلی آینده خود در جامعه چند مذهبی لبنان نشان می‌دهد (بایلونی آناماری ۲۰۱۳). حزب‌الله از زمان ورود به انتخابات پارلمانی در سال ۱۹۹۲ با سایر فرقه‌ها ائتلاف سیاسی نموده است و این موضوع در استراتژی المنار به وضوح بازتاب داده می‌شود.

همچنین، موازی با مقاومت به عنوان اولویت اصلی و اقدامات وسیع اجتماعی، حزب الله به آرامی با چرخش جهت سیاسی خود، با رویکردی جدید وارد حیات سیاسی لبنان شد؛ در این رویکرد حزب الله بر مولفه ناسیونالیستی-لبنانی بودن خود اصرار ورزیده و خود را به عنوان یک گروه مستقل و کاملاً لبنانی معرفی کرد؛ سیاست احترام و تسامح را در برابر چنداجتماع گرایی و چندصدایی جامعه متنوع لبنان سرلوحه کار خود قرار داد. در این دوره، ضمن تعقیب هدف اصلی خود مبنی بر مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی، بر مبارزه خود برای لبنان نیز اصرار ورزید و نوعی ناسیونالیسم را در سطح داخلی در زمره اهداف خود قلمداد نمود. همین جهت جدید سیاسی بود که این گروه را بر آن داشت که در سال ۱۹۸۹، شعار اصلی درج شده روی پرچمش را از «انقلاب اسلامی در لبنان» به «مقاومت اسلامی در لبنان» تغییر دهد. به همین ترتیب دو سال بعد نیز، با شرکت در انتخابات پارلمانی با برنامه انتخاباتی که بر هویت متنوع فرهنگی و مذهبی لبنان تأکید داشت، وارد صحنه سیاسی لبنان شده و موفق به کسب ۱۲ کرسی پارلمان شد (Augé, 2015: 49). این منش سیاسی تأکید شده از اولویت‌های المنار در بازنمایی حزب الله است.

نگاهی به اخبار منتشر شده از حزب الله در پرس‌تی‌وی کمتر این دو وجه تکثرگرایی و لبنانی بودن را بازنمایی می‌کند. سیاست‌های متمرکز بر حوزه مقاومت در مقابل رژیم اشغالگر، حزب الله را به عنوان پایگاه مقاومت و اصولاً یک گروه مقاومت تقلیل می‌بخشد. و به نظر می‌رسد که آن را خارج از بدنه سیاسی و اجتماعی کشور لبنان مورد بازنمایی قرار می‌دهد. در حالیکه حزب الله برای حفظ و تداوم خود آنهم در کشوری که ادعای حس ناسیونالیستی قوی به آن دارد، اصولاً سیاستی نرم و مبتنی بر تسامح و آشتی با سایر گروهها و بازیگران داخلی لبنان دارد. این حزب که برای اثبات روحیه وطن‌پرستی با تأکید بر هویت لبنانی خود، مشارکت گسترده در ساخت و اداره کشور لبنان دارد، کمتر مورد توجه پرس‌تی‌وی است. آنچه از مشارکت حزب الله در ساخت کشور و در ساختار سیاست لبنان در پرس‌تی‌وی انعکاس می‌یابد، خارج از چارچوب محدود شده به مقاومت نیست. در حالی که در المنار، این بعد از بازنمایی حزب الله امروز شکل مستقل‌تری به خود گرفته است و به طور موازی با مقاومت پیش می‌رود.

حزب الله: مدافع آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها، تسامح و رواداری

به طور کلی، رواداری و تلاش برای حفظ وحدت در داخل کشور، به کار رسانه‌ای حزب الله لبنان نیز تسری داده شده است. حزب الله در کلیه رسانه‌های خود که شامل

شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی، روزنامه، سایت و... است، عمدتاً از کارشناسان حرفه‌ای استفاده می‌کند، چه وابسته به حزب‌الله و همسو با آن باشند و چه افراد معتدل و میانه‌روی طیف‌های دیگر به شمار روند. به همین دلیل کمتر کسی در لبنان اعم از شیعه، سنی، مسیحی و حتی دروزی‌ها وجود دارند که از حضور در رسانه‌های حزب‌الله منع شوند. المنار حتی انتقاداتی را که به مسئولان حزب‌الله مطرح می‌شود، منعکس می‌کند (نعیمی، ۱۴۰۰). شاید به همین دلیل است که این شبکه، برای برخی افراد از بیانیه‌ها و اتحادهای سیاسی، سازمانی به مراتب تاثیرگذارتر و شاید قانع‌کننده‌تر باشد (بایلونی آنماری ۲۰۱۳). این تسامح و رواداری که از بینش حزب‌الله برمی‌خیزد، به رسانه المنار کمک زیادی در اعتمادسازی و نیز تثبیت موقعیت حزب در جامعه لبنان به طور کلی و جامعه شیعیان لبنان به طور خاص کرده است. این تسامح رسانه‌ای هوشمندانه را حزب‌الله در بهترین شکل ممکن در ماجرای ممنوعیت پخش المنار از کانالهای ماهواره‌ای در کشورهای مختلف از جمله فرانسه به معرض نمایش گذاشت. حزب‌الله در جریان محدودسازی که کشور فرانسه بر شبکه المنار قائل شد و این شبکه را به یهودی ستیزی و رشد و اشاعه بنیادگرایی و در نتیجه اقدام مغایر با قوانین داخلی فرانسه محکوم کرد (Lamloum, 2008: 27)، واکنشی بسیار منعطف نشان داده و حاضر شد که شیوه و جهت خود را تغییر دهد به گونه‌ای که ناقض قوانین آن کشور نباشد. این موضوع، به طور مستقیم ریشه در همان سیاستی داشت که حزب همواره برای ابراز خود به عنوان یک سازمان سیاسی-قضایی کاملاً رسمی از خود بروز داده است (Augé, 2015: 55). به عبارت دیگر، در این پرونده علیه المنار و در حقیقت علیه خود حزب‌الله، این حزب به جای یک مانور یکباره و اعتراضی، واکنشی نرم و منطبق با تحول استراتژی سیاسی خود نشان داد. این اقدام بیانگر تمایل حزب از اواخر دهه ۱۹۸۰ برای معرفی خود به عنوان سازمانی است که به طور کامل در بستری حقوقی و سیاسی فعالیت دارد و مایل به احترام به قانون است. حزب‌الله با چنین تسامحی، رویکردی را که از جمله در مهمترین رسانه خود، یعنی المنار، دنبال می‌کرد، به نمایش گذاشته و بازنمایی کرد. استفاده او از رسانه المنار در اینجا شکل کلی‌تری به خود می‌گیرد و تصویری را که تلاش دارد از خود به دنیا ارائه دهد، در تسامح خود نسبت به این رای به منصفه ظهور می‌گذارد. (Lamloum, 2008: 35).

به طور کلی، المنار از جمله منابع مهم خبری در رابطه با حزب‌الله و تمام اخبار و حاشیه‌های پیرامون آن است. در سال‌های اخیر در مسیر حزب‌الله از تمام اخبار مربوط به

بمب‌گذاریه‌های جنوب لبنان گرفته، تا اتهامات وارده به این گروه در وقایع مختلف داخلی و یا جهانی، شکست‌ها، دو قطبی شدن جامعه لبنان و جریان ضد شیعی بعد از مرگ رفیق حریری در ۲۰۰۵، اتهامات وارده از سوی کشورهای غربی و به خصوص نحوه بازنمایی حزب در این شبکه‌ها، آمار دقیق تلفات نظامی و حضور حزب الله در سوریه و... را مستقیماً و بدون فوت وقت منعکس می‌کند. چنین برنامه‌هایی که کاملاً مخالف تصاویر عامه‌پسند و غربی از حزب الله به عنوان یک سازمان تروریستی و رسانه‌های آن به عنوان رسانه‌ای تبلیغاتی برای خشونت و انحصارگرایی شیعیان است، نتیجه افزایش لبنانی شدن یا ملی شدن حزب الله است (بایلونی آنماری، ۲۰۱۳). حزب الله در راستای اصل صداقت با مخاطبین خود، در مخبره اخباری که در ظاهر بر علیه‌اش می‌باشد، بسیار پیشرو عمل می‌کند. بنابراین با نشان دادن صداقت خود، مخاطبانش را به دنبال کردن خبر از کانال خودش تشویق می‌نماید. چنانچه گفته شد حزب الله با نشان دادن علاقمندی و پایبندی خود به اصل آزادی رسانه‌ها، گام مهمی در جذب مخاطبان خود از طرفی برای دنبال کردن خبر از این شبکه و دوم در اعتماد نمودن به این حزب برداشته است. المنار تمام اخبار را به طور همه جانبه پوشش می‌دهد، مواضع گروه، کشورهای مخالف و حتی ضد حزب الله را خود پیش از سایرین، بازتاب می‌دهد و سپس اقدام به پاسخگویی می‌کند. حتی در ارتباط با به کار نگرفتن الفاظ خاص درباره رژیم صهیونیستی، در پرونده المنار در ۲۰۰۴، شرایط دولت فرانسه را می‌پذیرد که به طور مثال نقض قوانین داخلی کشور مذکور را انجام ندهد. المنار یکی از اصلی‌ترین برنامه‌هایش دعوت از میهمانی از طیف‌های فکری متنوع و حتی منتقدین حزب الله نیز هست. این کانال سهم مخاطبان خود را به بیش از ۱۵ درصد از جمعیت لبنان افزایش داده است. تا سال ۲۰۰۴، المنار سومین شبکه تلویزیونی پربیننده لبنان بوده است (فرمو ویکتوریا، ۲۰۰۴). نظرسنجی زوگی در سال ۲۰۰۸، تعداد بینندگان المنار را ۲ درصد از کل جهان عرب نشان می‌دهد. در مقایسه، العربیه ۹ درصد و یکی از محبوب‌ترین ایستگاه‌های لبنانی، یعنی شرکت پخش لبنان، ۳ درصد را در اختیار داشت. (بایلونی آنماری، ۲۰۱۳).

در اخبار پرس‌تی‌وی پیرامون حزب الله کمتر ابعاد مربوط به تسامح، انعطاف و چندجانبه‌گرایی که در المنار از حزب الله بازنمایی می‌شود، مورد توجه است. علت این مسئله بیشتر از این که کم اهمیتی آن باشد، احتمالاً در عدم موضع مشترک سیاسی حزب الله با سیاست‌های خبری ج.ا.ایران است. از یک طرف رسانه‌ها در لبنان آزاد هستند و

کمتر از طرف دولت سانسور می‌شوند. همین سیاست باعث می‌شود تا المنار هم علاوه بر داشتن آزادی بیان، اصولاً در عرصه سخت‌تری در رقابت رسانه‌ای قرار گرفته و به طور حرفه‌ای به پوشش اخبار بپردازد. در حالی که پرس‌تی‌وی در امتداد سیاست‌های رسانه‌ای ج.ا.ایران به گزینش اخبار سازگار و هماهنگ با این سیاست‌ها آنها را بازتاب می‌دهد. به همین دلیل است که مثلاً در مواردی که حزب‌الله در مقابل غربی‌ها از خود تسامح و سازش نشان می‌دهد، پرس‌تی‌وی نسبت به انعکاس خبری آن بی‌توجه است. در ارتباط با درصد مخاطبین پرس‌تی‌وی در سطح جهان و به طور خاص در کشور لبنان آمار دقیقی داده نشده است، در ارزیابی فعالیت حرفه‌ای پرس‌تی‌وی در پژوهش صادقی و دیگران، در مجموع عملکرد شبکه پرس‌تی‌وی ضعیف قلمداد شده است به گونه‌ای که شبکه مذکور را فاقد قدرت لازم برای رقابت با سایر شبکه‌ها می‌دانند. به زعم نویسندگان، پرس‌تی‌وی بیشتر از اینکه تولیدکننده باشد خود مصرف‌کننده اخبار آنهاست با تاخیری چشمگیر است. دلیل این ضعف، رویکرد سیاسی (سیاست زدگی) مدیران و سیاستگذاران این شبکه و غفلتشان از نقش رسانه و اهمیت شبکه‌های تلویزیونی و برنامه‌ریزی هدفمند فرهنگی شناخته شده است (صادقی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۷۲). بی‌شک این ضعف اساسی همانی است که می‌توان به این شبکه در ارتباط با پردازش اخبار پیرامون لبنان و حزب‌الله شناسایی نمود. بدین ترتیب مخاطبی که در یک سطح ملی اخباری را رصد می‌کند که به آن اعتماد دارد، به راحتی اخبار جانبدارانه و به درستی کار نشده را دنبال نمی‌کند. آنچه در ارتباط با خط‌مشی پرس‌تی‌وی در زمینه پوشش خبری باید مورد توجه قرار گیرد، وابستگی بدون واسطه آن به صدا و سیمای ج.ا.ایران است. این موضوع بر این واقعیت دلالت دارد که پرس‌تی‌وی از همان خط‌مشی و اصول مشخص‌شده‌ای تبعیت می‌کند که رسانه ملی جمهوری اسلامی برای کلیه شبکه‌ها و خبرگزاری‌های داخلی و خارجی خود تعیین کرده است. بنابراین، درک این اصول مقدم بر هر نحوه پوشش و بازتاب خبری، می‌تواند موضع‌گیری و جهت سیاسی شبکه مورد بررسی را مشخص نماید.

نتیجه‌گیری

در یک نگاه اجمالی، حزب‌الله لبنان از محبوبیت بالایی در میان جامعه لبنان و به طور ویژه جامعه شیعه مذهب این کشور برخوردار است. این حزب که همچنین نفوذ بالایی در ساختار سیاسی کشور لبنان دارد، تلاش می‌کند تا با ابزار رسانه‌ای از جمله شبکه المنار بیشترین پوشش خبری را از فعالیت‌ها و اقدامات خود در زمینه مقاومت و نیز نقش خود در

جامعه لبنان به نمایش بگذارد. خط‌مشی‌های المنار که زیر نظر مستقیم خود حزب تعیین می‌شود، بر اصولی چون تسامح، انعکاس صدای منتقدین و مخالفین و پوشش کامل اخبار مربوط به حزب‌الله، موفقیتها و شکست‌هایش، قرار گرفته‌اند. اعمال این سیاست رسانه‌ای کلی در سال‌های اخیر، از یک طرف در افزایش مخاطبین المنار موثر بوده است و از سوی دیگر در تبیین و تثبیت موقعیت و اقدامات حزب‌الله در جامعه لبنان نقش مهمی را بازی کرده است. المنار با سیاست صراحت در به تصویر کشیدن اخبار جامعه و دادن اطلاعات دسته اول به مخاطبانش، باعث شده است تا بتواند جایگاه یک منبع مهم خبری را در بین مخاطبان بیشمارش کسب کند. به کمک چنین بازنمایی است که حزب‌الله توانسته است در مقابل هژمونی غالب علیه خود از سوی قدرتمندترین رسانه‌های غربی خود را به عنوان یک حزب لبنانی تثبیت کرده و در کنار هدف مقاومت، بخشی از کرسی قدرت را نیز در ساختار سیاسی لبنان تصاحب نماید. در عمل بازنمایی مذکور مثل یک سرمایه اجتماعی مهم در جامعه لبنان برای حزب‌الله موثر و کارآمد بوده است. این در حالی است که پرس‌تی‌وی به عنوان شبکه حامی ارزشهای اسلامی و مقاومتی حزب‌الله، منطبق با سیاست‌های کلی مدیران خود، بیشترین تمرکزش را بر بازنمایی ابعاد مقاومت حزب‌الله قرار داده و نسبت به سایر نقش‌ها و ابعاد گسترده فعالیت‌ها، اقدامات، چرخش‌های سیاسی و ارتباطات دیپلماتیک این حزب کمتر بازتاب داده می‌شود. دلیل این موضوع را می‌توان این طور بیان کرد که این شبکه ماهواره‌ای به دلیل دنبال کردن اولویت هدف ضدیت به رژیم صهیونیستی به عنوان مهمترین دشمن در حال حاضر کشورهای مسلمان به طور ویژه مردم ستم‌دیده فلسطین، اخبار خود را به پوشش خبرهایی اختصاص می‌دهد که در آنها صدای مخالفین به طور محدود و یا در حد مقایسه‌های سطحی شنیده می‌شود. پوشش اخبار مربوط به سایر کشورهای اسلامی و تحولات مربوط با آنها نیز، با همین رویکرد و حول و حوش مبارزه با صهیونیسم جهت می‌گیرند. در همین راستاست که حزب‌الله به عنوان حزب مبارزه و مهمترین گروه مقاومت مورد بازنمایی قرار می‌گیرد و اقداماتش تحلیل می‌شود. اما خارج از این اولویت، به سایر اخبار داخلی مربوط به حزب‌الله و فعالیت‌هایش در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی و یا حتی تغییر مواضع سیاسی هماهنگ با شرایط و موقعیت راهبردی خود کمتر پرداخته شود.

منابع و مآخذ:

- منابع فارسی
- بشیر، حسن؛ وحیدفردوسی، علی (۱۳۹۲)، «بازنمایی تحولات اخیر جهان اسلام در گفتمان شبکه پرس تی وی»، **نشریه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، شماره ۷، صص ۲۹-۵۰.
- بلقریز، عبدالله (۱۳۸۸)، **حزب الله: از آزادسازی تا بازدارندگی**، ترجمه شمس علی، تهران، نشر موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- شمس‌الدین، عبدالله، عین‌الانتصار (۲۰۱۶)، **وقائع وأسرار مجهولة في إدارة الحرب الإعلامية خلال عدوان تموز**، (المنار نموذجاً)، دار الأمير للثقافة والعلوم، بيروت.
- صادقی، حسین؛ کندری، امیر؛ مهدی‌پور، محمد؛ سیفی قره یثاق، داوود (۱۴۰۱)، «نقش و عملکرد دیپلماتیک شبکه‌های خبری»، **نشریه قلمروهای جغرافیایی قرن جدید**، شماره ۲، صص ۱۶۸-۱۷۸.
- گرنامه، علی، ذاکری؛ ریحانه سادات (۱۳۹۵)، «بررسی میزان و پوشش خبری داعش و مقایسه رعایت ملاحظات پوشش اخبار خشن و دلخراش (بخش خبری ۲۱ شبکه یک سیما و خبر تاپ‌فایو (5top) شبکه خبر)»، **نشریه رسانه**، شماره ۱۹۵، صص ۱۰۷-۱۲۸.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۷)، **رسانه‌ها و بازنمایی‌ها**، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- نصار، مریم (۱۳۹۱)، **تکنیک‌های تبلیغات سیاسی شبکه المنار در جنگ سی و سه روزه لبنان، تهران**، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.
- نجیمی مصیب، مصاحبه شخصی، ۱۴۰۰
- هال، استوارت (۱۳۸۲)، «**رمزگذاری، رمزگشایی**»، ترجمه: نیما ملک‌محمدی، در: **مطالعات فرهنگی (مجموعه مقالات)**، تهران: تلخون.
- منابع انگلیسی و فرانسوی
- Aref, Al Abed (2001), Lebanon and Al Taef, Beirut: **Centre for Arab Unity Studies**.
- Augé, Etienne (2015), Liban, Monde arabe, monde musulman, Paris : De Boeck supérieur
- Baylouni, Ann Marie (2009), "Not Your Father's Islamist TV: Changing Programming on Hizbullah's al Manar", **Arab Media and Society (2009)**. URL: <http://www.arabmediasociety.com/?article=728>
- Blanford, N. (2001), 'Hizbullah Sharpens its Weapons in Propaganda War', available at www.csmonitor.com/2001/1228/p6s2-wome.html (accessed 3 November 2008)
- Dan Nimmo et James E. Combs (1983), **Mediated Political Realities**, New York, Longman.
- Derville, Gregory (1989), Le pouvoir des médias selon les classiques de la « com », **Les cahiers de médiologie 1998/2** (N° 6), pp. 130-135.
- Ferejohn, John a. et James H. Kuklinski (1990), **Information and the Democratic Process**, Urbana, University of Illinois Press, 1990.
- Firmo-Fontan, Victoria (2004), "Power, NGOs and Lebanese television" in **Naomi, Sakr, Women and Media in the Middle East**, London, I.B. Tauris, pp. 169-179.
- Harb, Zahera (2016), "Hezbollah, Al-Manar, and the Arab Revolts: Defiance or Survival?" **Bullets and Bulletins: Media and Politics in the Wake of the Arab Uprisings**, (pp. 165-177), **Politics and Media in the Middle East post Arab Spring**. UK: Hurst/Oxford, University Press.
- Hoare, George et Nathan Sperber (2013), Introduction à Antonio Gramsci, Paris : La Découverte.
- Khatib, Linda (2012), Hezbollah's Image Management Strategy, **FIGUEROA PRESS, Los Angeles**.
- Koch, O. (2008) « L'affaire Al Manar en France », S. Mervin (ed.) **Le Hezbollah, Etat des lieux**, Paris: Actes Sud, pp. 47-64.
- Lamloum, Olfa (2008) 'Le Hezbollah au miroir de ses médias', in S. Mervin (ed.) **Le Hezbollah, Etat des lieux**, Paris: Actes Sud, pp. 21-45
- Lamloum, Olfa (2008), "Hezbollah and the Al Manar Affair", <https://www.cem.ulaval.ca/wp-content/uploads/2019/04/effetsmedias.pdf>
- Lazarsfeld, Paul F. (1940), **Radio and the Printed Page: An Introduction to the Study of Radio and Its Role in the Communication of Ideas**. New York: Duell, Sloan, and Pearce.

- McCombs, M. E., & Shaw, D. L. (1972), "The Agenda-Setting Function of Mass Media". **Public Opinion Quarterly**, 36, 176-187.
- Meier, Daniel (2013-2014), « Qu'est-ce que le Hezbollah ? », **Les Cahiers de l'Orient** 2013/4 (N° 112), pp. 35-47.
- Monière, Denis (1999), **Démocratie médiatique et représentation politique**, **Presse de l'Université de Montréal**.
- Nayef, Krayem, 'Al Manar: Qusat al Tassis...' ['Al Manar: the story of its establishment ...'], **Assafir**, 28 December 2004.
- Strindbergand, Andres and Mats Warn (2011), **Islamism**, Polity Press.
- Wolton, Dominique (1993), **Eloge du grand public**, Paris, Flammarion.